

بررسی الگوی نوروپسیکولوژی گری درباره تأثیر اضطراب بر ناتوانی تنظیم رفتار در
بزرگسالان مضطرب غیربالینی

مریم چیت سازی*، دکتر جواد ملازاده**

خلاصه

پژوهش حاضر بر اساس دیدگاهی نوروپسیکولوژی به بررسی چگونگی تأثیر اضطراب بر ناتوانی تنظیم رفتار می‌پردازد. در درون الگوی گری (۱۹۸۱) سیستم فعالیت رفتاری، سیستم بازداری رفتاری و سیستم برانگیختگی غیراختصاصی جهت تعیین رفتار با یکدیگر تعامل دارند. بر اساس این الگو، افزایش فعالیت BIS سبب افزایش فعالیت حرکتی و افزایش فعالیت NAS سبب اختصاص بخش اعظمی از ظرفیت توجه به یک مجموعه از علایم محیطی و نادیده گرفتن سایر علایم مهم محیطی می‌گردد. بنابراین یک BIS و NAS قوی، افراد را مستعد ناتوانی در تنظیم، ارزیابی و اصلاح فرایندهای شناختی یا رفتاری می‌کند که در موقعیت کنونی نامناسب یا ناسازگارانه هستند. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه زندانیان زندان‌های شهر شیراز بودند. از این جامعه، ۱۳۰ نفر (۶۷ نفر با اضطراب بالا و ۶۳ نفر با اضطراب پایین) از طریق نمونه‌گیری در دسترس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. با توجه به ماهیت الگوی نوروپسیکولوژی گری از بین روش‌های چهارگانه سنجش افراد مضطرب، از پرسش‌نامه شخصیت آیسنک جهت انتخاب افراد مضطرب و نیز از آزمایش تصویر-کلمه جهت سنجش زمان واکنش و میزان خطای آزمودنی‌ها استفاده گردید. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، دو طرح تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر (۲×۳) برای سنجش اثر اصلی و تعاملی متغیرها مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد برخلاف پیش‌بینی‌های الگوی نوروپسیکولوژی گری، افراد مضطرب در مقایسه با افرادی با اضطراب پایین در کوشش‌های آزمایشی، زمان واکنش کندتر ($p < 0/001$) و خطاهای بیشتری ($p < 0/05$) را دارا هستند.

واژه‌های کلیدی: مدل نوروپسیکولوژی گری، اضطراب، تنظیم رفتار، زمان واکنش.

* کارشناس مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی ارسنجان

** استادیار بخش روان‌شناسی بالینی دانشگاه شیراز

مقدمه

خود تنظیمی و یا تنظیم رفتار، فرایندی چند بعدی است و غیر ممکن است بتوان علت یا زنجیره‌ای از علل را که مبنای تمام موارد شکست در این فرایند باشند توصیف و شناسایی کرد، پاره‌ای از مطالعات به بررسی عوامل مؤثر بر ناکامی در تنظیم رفتار پرداخته‌اند، نیومن و والاس (۱۹۹۳) سه عامل مؤثر را در تنظیم رفتار مطرح کردند: (۱) سایکوپاتی (۲) تکانشی بودن (۳) اضطراب.

بررسی نقش سایکوپاتی و تکانشی بودن در ناتوانی برای تنظیم رفتار در مطالعات گوناگون به ویژه در مردان سایکوپات مورد بررسی قرار گرفته است (ویتال^۱ و همکاران، ۲۰۰۵؛ هات^۲، ۲۰۰۴؛ ۱۹۹۷؛ اوایلا و پارس، ۱۹۹۷) اما نقش اضطراب در تنظیم رفتار به ندرت مطالعه شده است، از این رو با توجه به نقش قابل توجه اضطراب در زندگی افراد، مطالعه حاضر با هدف گسترش فهم از چگونگی اثرگذاری اضطراب بر سازمان‌دهی نامناسب رفتار صورت می‌گیرد، انتظار می‌رود شناسایی دقیق چگونگی تأثیر عوامل مؤثر بر ناتوانی در تنظیم رفتار، بتواند در ایجاد راهبردهایی برای کاهش و یا حذف این عوامل و به نوبه خود پیدایش روش‌های درمانی مؤثر در این زمینه کمک کننده باشد. از جمله نظریه‌هایی که به این مسأله پرداخته است نظریه نوروپسیکولوژی گری است، در درون الگوی گری (۱۹۸۱)، سیستم فعالیت رفتاری^۳ (BAS)، سیستم بازداری رفتاری^۴ (BIS) و سیستم برانگیختگی غیراختصاصی^۵ (NAS) برای تعیین رفتار با یکدیگر تعامل دارند؛ BAS به محرک‌های شرطی مطلوب حساس است و سطح فعالیت آن در برخورد با چنین محرک‌هایی افزایش می‌یابد و به راه اندازی رفتار معطوف به هدف می‌انجامد، برعکس، گری BIS را به عنوان سیستم حساس به محرک‌های شرطی نامطلوب توصیف کرده است، همان طور که سطح فعالیت آن افزایش می‌یابد، در جهت بازداری رفتار جاری عمل کرده و توجه را به سمت محرک بالقوه تهدیدآمیز

^۱ Vitale

^۲ Hiatt

^۳ Behavioral activation system

^۴ Behavioral inhibition system

^۵ Nonspecific arousal system

هدایت می‌کند، از این نظر اضطراب پایین با BIS ضعیف و اضطراب بالا با BIS قوی همراه است (به نقل از مکون و نیومن^۱، ۲۰۰۳).

وظیفه NAS تسهیل خودکار واکنش‌های تحریک شده از سوی محرک‌های مطلوب و نامطلوبی است که BIS و BAS را فعال کرده‌اند، همان طور که فعالیت NAS بالا می‌رود، ظرفیت توجه به پردازش یک مجموعه از علائم مربوط اختصاص می‌یابد و بنابراین ظرفیت کمتری برای دیگر نیازهای پردازشی مثل پردازش علائم ضروری برای تنظیم مؤثر رفتار باقی می‌ماند در نتیجه، واکنش‌های حرکتی شدیدتر و معطوف کردن توجه تسهیل می‌گردد. به این ترتیب یک NAS قوی افراد را مستعد ناتوانی در تنظیم، ارزیابی و اصلاح فرایندهای شناختی یا رفتاری می‌کند که در موقعیت کنونی نامناسب یا ناسازگارانه هستند (مکون و نیومن، ۲۰۰۳). با توجه به نقش هر کدام از سیستم‌های مذکور، مطالعه حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها است که اولاً آیا افراد مضطرب در موقعیت‌های تهدیدکننده نسبت به افراد غیر مضطرب زمان واکنش سریع‌تری دارند یا خیر؟ و ثانیاً آیا افراد مضطرب در موقعیت‌های تهدیدکننده نسبت به افراد غیر مضطرب، میزان خطای کمتری مرتکب می‌شوند یا خیر؟

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه بزرگسالان مضطرب غیر بالینی زندان‌های شهر شیراز تشکیل می‌دادند؛ آزمودنی‌ها می‌بایست ناتوانی در تنظیم رفتار را به اشکال مختلف مثل درگیری و مشاجره نشان داده باشند.

گروه نمونه متشکل از ۱۳۰ نفر با دامنه سنی بین ۱۸ تا ۵۷ (میانگین سنی = ۲۸/۴۴ و انحراف استاندارد = ۶/۰۵) بود که در دو گروه شامل ۶۷ نفر با اضطراب بالا (درون‌گرای نورووتیک) و ۶۳ نفر با اضطراب پایین (برون‌گرای با ثبات) جای گرفتند. این دو گروه از نظر سن، جنس، سطح تحصیلات، موقعیت اقتصادی - اجتماعی، توانایی خواندن نیز با یکدیگر جور شدند. این افراد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه افسردگی بک:

^۱ MacCoon & Newman

ابزار سنجش افسردگی در این پژوهش، پرسش‌نامه افسردگی بک بود. هر سؤال پرسش‌نامه بک شامل یک مقیاس ۴ ماده‌ای است که دامنه آن از ۰ تا ۳ مرتب شده است. در مطالعه رجبی، عطاری و حقیقی (۱۳۸۰) این آزمون روی ۱۹۶ دانشجوی دانشگاه اهواز اجرا شد و بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضریب آلفای کرونباخ (همسانی درونی) برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۷، ضریب پایایی تصنیف بعد از اعمال فرمول تصحیح اسپیرمن - براون ۰/۸۳، و ضریب پایایی بازآزمایی به فاصله ۳ هفته ۰/۴۹ به دست آمد.

پرسش‌نامه شخصیت آیسنک:

در مقایسه با اکثر الگوهای شخصیت، الگوی گری هیچ شیوه استانداردی برای ارزیابی ابعاد شخصیت ندارد (کاسراس، اویلا و توروبا، ۲۰۰۳). در این پژوهش از بین روش‌های متعددی که در مطالعات گوناگون جهت غربال کردن افراد مضطرب مورد استفاده قرار می‌گیرد از پرسش‌نامه شخصیت آیسنک استفاده شده است. بر اساس مطالعه توروبا، اویلا و مولتو^۱ (۲۰۰۱) بُعد اضطراب، همبستگی مثبت با بُعد روان نژندی و همبستگی منفی با با برون‌گرایی پرسش‌نامه آیسنک دارد، بنابراین افراد مضطرب این مطالعه از بین افراد روان نژند درون‌گرا انتخاب شدند.

پرسش‌نامه شخصیت آیسنک شامل ۹۰ سؤال و ۳ مقیاس برون‌گرایی، روان نژندی و روان پریشی و یک مقیاس دروغ سنجی است. شاپوریان و حجت (۱۹۸۵) جهت بررسی پایایی و روایی این آزمون، نسخه فارسی پرسش‌نامه شخصیت آیسنک را روی ۲۳۲ دانشجوی ایرانی (۱۵۶ مرد و ۷۶ زن) که در حال تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا (گروه ۱) بودند و ۳۰۵ دانشجوی ایرانی (۱۶۸ مرد و ۱۳۷ زن) که در دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کردند (گروه ۲) اجرا کردند. برآوردهای همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای مقیاس‌های برون‌گرایی و روان نژندی در هر ۲ گروه بیش از ۰/۸۰ بود، این برآوردها ۰/۶۹ و ۰/۵۳ برای روان پریشی و ۰/۷۴ و ۰/۷۰ برای مقیاس دروغ سنج، به ترتیب در گروه ۱ و ۲ بودند. پایایی بازآزمایی برای برون‌گرایی، روان نژندی، روان پریشی و مقیاس دروغ سنج، به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۹، ۰/۷۹ و ۰/۸۴ به دست آمد.

آزمایه تصویر - کلمه:

^۱ Torrubia & Avila & Molto

این آزمایش، نسخه‌ای از آزمایش مورد استفاده گرن اسپاچر و فائوست (۱۹۹۱) است، این آزمایش شامل ۳۶ کوشش است، نیمی از این کوشش‌ها شامل مقایسه دو کلمه به منظور تعیین ارتباط یا عدم ارتباط آن دو و نیم دیگر شامل مقایسه دو تصویر است، کوشش‌ها با جمله "به تصویر توجّه کن" روی کوشش‌های تصویر و "به کلمه توجّه کن" روی کوشش‌های کلمه شروع می‌شوند؛ هر کوشش از سه بخش نمایش محتوا، نمایش آزمون و پاسخ صحیح تشکیل شده است؛ بخش نمایش محتوا در برگزیده یک تصویر و یک کلمه روی تصویر است، کلمه و تصویر همیشه نامربوط هستند، در کوشش تصویر، شرکت کنندگان باید روی تصویر تمرکز کنند و کلمه را نادیده بگیرند و در کوشش‌های کلمه برعکس. در کوشش‌های تصویر، نمایش آزمون شامل یک تصویر دیگر بدون کلمه و در کوشش‌های کلمه، شامل یک کلمه دیگر بدون تصویر است و از شرکت کنندگان خواسته می‌شود که اگر محرک‌ها مرتبط هستند، روی کلمه بله در سمت راست صفحه و اگر نامرتب هستند، روی کلمه خیر فشار دهند.

در ۳۶ کوشش این آزمون، ۸ کوشش آزمایشی، ۸ کوشش مقایسه و ۱۶ کوشش فیلر وجود دارد. در کوشش‌های آزمایشی، علائم ثانوی نامربوط نمایش محتوا از نظر مفهومی مرتبط با نمایش آزمون هستند در حالی که علائم اولیه با نمایش آزمون نامربوطند؛ هر کدام از کوشش‌های آزمایشی با یک مجموعه از کوشش‌های مقایسه جور شده‌اند، تنها تفاوت بین این دو کوشش این است که علائم ثانوی نمایش محتوا به نمایش آزمون نامربوط است. در ۱۶ کوشش فیلر، علائم اولیه نمایش محتوا به نمایش آزمون مربوط و علائم ثانوی به نمایش آزمون نامربوط است؛ این کوشش‌ها به منظور تضمین احتمال برابر برای پاسخ‌های مربوط و نامربوط ایجاد شده‌اند. آزمودنی‌ها ۴ کوشش تمرین را قبل از وارد شدن به آزمون واقعی تمرین خواهند کرد، این کوشش‌ها تجزیه و تحلیل نخواهند شد.

شیوه اجرای پژوهش

بعد از موافقت آزمودنی‌ها برای شرکت در آزمون، به منظور حذف افراد دچار اختلال شخصیت ضد اجتماعی از آنها مصاحبه بالینی به عمل آمد و به دنبال آن پرسش‌نامه افسردگی بک برای اطمینان از عدم وجود میزان بالای افسردگی در آزمودنی‌ها به آنها ارایه گردید. پس از حذف افرادی با تشخیص اختلال شخصیت ضد اجتماعی و با افسردگی بالا، بقیه شرکت کنندگان، خرده مقیاس‌های برون گرایی و روان نژندی از پرسش‌نامه شخصیت آیسنک را تکمیل کردند، بر اساس نمره‌های به دست آمده، افرادی که نمره‌های آنها در مقیاس روان نژندی ۲ انحراف

بالتر از میانگین و در مقیاس برون گرایی ۲ انحراف معیار پایین تر از میانگین بود به عنوان گروه مضطرب انتخاب شدند. گروه غیرمضطرب در مقیاس برون گرایی ۲ انحراف معیار بالاتر از میانگین و در مقیاس روان نژندی ۲ انحراف معیار پایین تر از میانگین بودند و بعد از تفهیم کار به آزمودنی‌های هردو گروه و با اعلام آمادگی از سوی آنها، آزمون شروع می‌شد. بعد از جمع آوری داده‌ها، در حیطه آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار استفاده گردید و در حیطه آمار استنباطی، تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در قالب یک طرح (۲×۳) به کار برده و سپس به منظور تعیین محل تفاوت بین گروه‌ها از آزمون مقایسه‌های جفتی استفاده شد.

نتایج

در خصوص سؤال اول پژوهش، نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در جدول‌های شماره ۱، ۲ و ۳ آمده است. همان طور که از داده‌های جدول شماره ۱ استنباط می‌گردد در هر دو گروه مضطرب و غیرمضطرب، کوشش‌های آزمایشی و کوشش‌های مقایسه به ترتیب بیشترین و کمترین عدد را از نظر میزان زمان واکنش به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف استاندارد زمان واکنش دو گروه آزمودنی

گروه‌ها	کوشش‌ها	میانگین زمان واکنش	خطای معیار
مضطرب	آزمایشی	۵۳۰/۴۱	۱۱/۲۴
	مقایسه	۴۶۲/۰۳	۹/۱۱
	فیلر	۴۸۰/۹۷	۱۰/۶۰
غیرمضطرب	آزمایشی	۴۹۳/۶۳	۱۱/۶۰
	مقایسه	۴۵۴/۲۳	۹/۴۰
	فیلر	۴۷۷/۱۶	۱۰/۹۳

داده‌های جدول شماره ۲ گویای این مطلب هستند که مقدار F برای سطوح سه گانه کوشش‌ها و نیز تعامل بین کوشش‌ها و گروه در سطح $P < /0.01$ معنادار است. برای تحلیل عامل درون موردی به منظور بررسی همسانی کوواریانس‌ها از آزمون کرویت موخلی استفاده شد، نتایج حاکی از این بود که آزمون کرویت موخلی معنادار است، یعنی فرض همسانی کوواریانس‌ها برقرار نیست. در نتیجه به منظور تحلیل واریانس با تدابیر مکرر از آزمون محافظه کارانه گرین هاوس گیسر استفاده گردید.

جدول شماره ۲: اثرات درون گروهی برای سطوح سه گانه کوشش ها در دو گروه آزمودنی

P	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع واریانس
*۰/۰۰۰	۸۴/۹۰	۱۰۶۰۷۶/۵۷	۱/۸۱	۱۹۱۶۹۹/۵۴	کوشش
*۰/۰۰۰	۹/۳۱	۱۱۶۳۱/۹۹	۱/۸۱	۲۱۰۲۱/۱۱	کوشش × گروه
—	—	۱۲۴۹/۳۸	۲۳۱/۳۲	۲۸۹۰۰۴/۲۴	خطا (کوشش)

*P</۰۰۱

تجزیه و تحلیل داده‌های جدول شماره ۳ نشان دادند که مقدار F بین دو گروه مضطرب و غیرمضطرب معنادار نیست.

جدول شماره ۳: اثرات بین گروهی برای سطوح سه گانه کوشش‌ها در دو گروه آزمودنی

P	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع واریانس
۰/۲۵۴	۱/۳۱	۲۵۳۴۲/۶۵	۱	۲۵۳۴۲/۶۵	گروه
----	----	۱۹۳۰۷/۲۲	۱۲۸	۲۴۷۱۳۲۴/۳۲	خطا (گروه)

جهت تعیین محل تفاوت‌ها از مقایسه‌های جفتی استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ قید شده است. چنان که مشاهده می‌شود بین دو گروه در کوشش آزمایشی تفاوت معناداری ($p < 0/05$; $t(128) = 2/28$) وجود دارد ولی این تفاوت در کوشش مقایسه ($p = 0/55$; $t(128) = 0/58$) و کوشش فیلر ($p = 0/80$; $t(128) = 0/25$) به چشم نمی‌خورد.

جدول شماره ۴: خلاصه نتایج تحلیل آزمون مقایسه‌های جفتی برای مقایسه زمان واکنش در دو گروه

P	درجه آزادی	مقدار t	کوشش
* 0/01	۱۲۸	۲/۲۸	آزمایشی
0/55	۱۲۸	0/59	مقایسه
0/80	۱۲۸	0/25	فیلر

* $P < 0/05$

به منظور بررسی سؤال دوم، از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر (یک طرح 2×3) و جهت تعیین محل تفاوت از آزمون مقایسه‌های جفتی استفاده گردید. نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در مورد میزان خطا نیز هر دو گروه بالاترین میزان خطا را در کوشش آزمایشی و پایین‌ترین میزان خطا را در کوشش مقایسه نشان می‌دهند.

جدول شماره ۵: میانگین و انحراف استاندارد میزان خطا در دو گروه

خطای معیار	میانگین خطا	کوشش‌ها	گروه‌ها
0/023	0/337	آزمایشی	مضطرب
0/019	0/092	مقایسه	
0/018	0/193	فیلر	
0/024	0/252	آزمایشی	غیر مضطرب
0/019	0/098	مقایسه	
0/018	0/179	فیلر	

نتایج آزمون کرویت موخلی برای همسانی کوواریانس‌ها نشان داد که این آزمون معنادار است یعنی فرض همسانی کوواریانس‌ها برقرار نیست در نتیجه به منظور تحلیل واریانس با تدابیر مکرر از آزمون محافظه کارانه گرین هاوس گیسر استفاده گردید. داده‌های جدول شماره ۶

۶ و ۷ نشان می‌دهند که مقدار F برای سطوح سه گانه کوشش‌ها در سطح $P < 0.01$ و تعامل بین کوشش‌ها و گروه در سطح $P < 0.05$ معنادار است ولی مقدار F بین دو گروه معنادار نیست. جدول شماره ۶: خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای دو عامل گروه و نوع کوشش (اثرات درون گروهی)

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
کوشش	۲/۵۹۶	۱/۷۴	۱/۴۹۶	۶۸/۴۸	***0/000
کوشش × گروه	۰/۱۴۹	۱/۷۴	۰/۰۸۶	۳/۹۳	*0/017
خطا (کوشش)	۴/۸۵۲	۲۲۲/۰۵	۰/۰۲۲	_____	_____

***P<0/001

*P<0/05

جدول شماره ۷: خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای اثرات بین گروهی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
گروه	۰/۰۹۴	۱	۰/۰۹۴	۲/۲۴	0/137
گروه (خطا)	۵/۳۶۹	۱۲۸	۰/۰۴۲	_____	_____

نتایج آزمون مقایسه‌های جفتی حاکی از وجود تفاوت معنادار در کوشش آزمایشی ($P < 0.05$)؛ $t(128) = 2.57$ و عدم وجود تفاوت معنادار در کوشش مقایسه ($P = 0.828$ ؛ $t(128) = 2.18$) و کوشش فیلر ($P = 0.589$ ؛ $t(128) = 0.541$) بین دو گروه است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۸: خلاصه نتایج تحلیل t مستقل برای مقایسه میزان خطا در دو گروه

کوشش	مقدار t	درجه آزادی	P
آزمایشی	۲/۵۷۵	۱۲۸	0/011
مقایسه	۰/۲۱۸	۱۲۸	0/828
فیلر	۰/۵۴۱	۱۲۸	0/589

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج مربوط سؤال اول پژوهش دال بر وجود تفاوت معنادار بین دو گروه در کوشش-های آزمایشی است که بر اساس آن گروه مضطرب در کوشش‌های آزمایشی نسبت به سایر کوشش‌ها زمان واکنش طولانی‌تری نشان دادند. بر اساس نظر ویلیامز، واتز و متیوس (۱۹۸۸) به نقل از متیوس و مکینتاش، (۱۹۹۸) سطح بالای اضطراب در افراد با افزایش توجه انتخابی به مواد تهدید کننده مرتبط است. بنابراین گرچه گری در دیدگاه نوروپسیکولوژی خود به BAS به عنوان سیستم راه انداز رفتاری و به افزایش فعالیت حرکتی افراد مضطرب به دنبال فعال شدن این سیستم قایل است، ولی آنچه که از داده‌های این پژوهش به دست آمده مغایر با نظر

وی است، به نظر می‌رسد افزایش سطح فعالیت NAS بیشتر منجر به افزایش سطح فعالیت BIS می‌شود تا BAS. در نتیجه در حضور علائم ثانوی موجود در آزمایش که به علت تخریب عملکرد آزمودنی‌ها نقش محرک‌های نامطلوب به خود گرفته‌اند، فعالیت BIS منجر به بازداری رفتار جاری و افزایش توجه به این محرک‌ها می‌شود.

نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر (2x3) در مورد سؤال دوم نشان داد که در موقعیت‌های تهدید کننده، آزمودنی‌های مضطرب نسبت به گروه غیرمضطرب به طور معناداری خطاهای بیشتری مرتکب می‌شوند. گرچه در هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین به بررسی و مقایسه میزان خطا در افراد مضطرب پرداخته نشده است و حتی هیچ کدام از آزمایش‌های به کار برده شده در این پژوهش‌ها اعم از آزمایش استروپ و ردیابی لکه جهت سنجش میزان اشتباهات آزمودنی‌ها طراحی نشده‌اند. ولی با توجه به تأکید بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌ها بر سوگیری توجه در این افراد، به طور غیرمستقیم می‌توان این گونه استنباط کرد که احتمالاً طبق این دیدگاه‌ها توجه به علائم منفی و تهدید کننده سبب صحت پاسخ کمتر در افراد مضطرب می‌شود. این یافته‌ها با پیش‌بینی دیدگاه گری هماهنگ نیست، از دیدگاه گری در آزمایش‌های همچون آزمایش تصویر- کلمه این افزایش توجه به سمت علائم اولیه آزمایش است. یعنی همان علائمی که از آزمودنی در ابتدا خواسته می‌شود تا به آن توجه کند ولی داده‌های به دست آمده گویای این مطلب هستند که آزمودنی‌های مضطرب صرف نظر از آنچه که به آنها گفته می‌شود در نهایت به علائم منفی و تهدید کننده (علائم ثانوی آزمایش) توجه نشان می‌دهند. در این مورد، نیومن و والاس (۱۹۹۳) در برابر دیدگاه گری نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند، از نظر این پژوهشگران، وجود علائم تنبیه، میزان برانگیختگی در افراد مضطرب را بیش از گروه کنترل افزایش می‌دهد و این به نوبه خود باعث می‌شود تا آنها توجه بیشتری به علائم ثانویه آزمایش داشته باشند زیرا این علائم به طور بالقوه تهدید کننده هستند در نتیجه ظرفیت کمتری برای عملکرد مناسب روی آزمایش باقی می‌ماند. در خصوص تأثیر اضطراب بر ناتوانی در تنظیم رفتار، این دیدگاه پیش‌بینی می‌کند افراد مضطرب با سابقه‌ای از رفتارهای نامناسب به علائم تهدید کننده محیطی توجه دارند و چنین واکنشی ممکن است منابع پردازشی و توجه انتخابی آنها را منحرف کند در نتیجه به جای در نظر گرفتن رفتارهای کمتر آسیب زا به واکنش‌های ناسازگارانه روی می‌آورند.

منابع

- رجبی، غلامرضا؛ عطاری، یوسف علی؛ حقیقی، جمال. (۱۳۸۰). تحلیل عاملی سؤال‌های پرسش‌نامه بک روی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، شماره ۳ و ۴: صفحه ۴۹-۶۶.
- Avila, C., & Parcet, M.A. (۱۹۹۷). Impulsivity and anxiety differences in cognitive inhibition. *Personality and Individual Differences*, ۲۳, ۱۰۵۵-۱۰۶۴
- Caseras, X., Avila, C., & Torrubia, R. (۲۰۰۳). The measurement of individual difference in Behavioural Inhibition and Behavioural Activation System :a comparison of personality scales. *Personality and Individual Differences*, ۳۴, ۹۹۹-۱۰۱۳
- Gernsbacher, M., & Faust, M. (۱۹۹۱). The Mechanism of Suppression : A Comprehension Skill. *Journal of Experimental Psychology*, ۱۷, ۲۴۵-۲۶۲
- Hiatt, K., Schmitt, W., & Newman, J. (۲۰۰۴). Stroop Tasks Reveal Abnormal Selective Attention Among Psychopatics Offenders. *Neuropsychology*, ۱۸, ۵۰-۵۹
- MacCoon, D., & Newman, J. (۲۰۰۳). Dysregulation in High – Anxious Female Prisoners. *Cognitive Therapy and Research*, ۲۷, ۶۸۱-۶۹۶
- Mathews, A., & Mackintosh, B. (۱۹۹۸). A cognitive model of selective processing in Anxiety. *Cognitive Therapy and Research*, ۲۲, ۵۳۹-۵۶۰
- Newman, J.P., Wallace, J.F., Strauman, T., Skolaski, R.L., Orelan, K.M., Mttek, P.W., Elder, K.A., & McNeely, J. (۱۹۹۳). Effects of Motivationally Significant Stimuli on the Regulation of Dominant Response. *Journal of Personality and Social Psychology*, ۶۵, ۱۶۵-۱۷۵

- Shapurian, R., & Hojat, M. (۱۹۸۵). Psychometric characteristics of a Persian version of the Eysenck personality questionnaire. *Psychology report*, ۵۷, ۶۳۱-۶۳۹
- Torrubia, R., Avila, C., Molto, J., & Caseras, X. (۲۰۰۱). The Sensitivity to Punishment and Sensitivity to Reward Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, ۳۱, ۸۳۷-۸۶۲
- Vitale, J., Newman, J., Bates, J., & Goodnight, J. (۲۰۰۵). Deficient Behavioral Inhibition and Anomalous Selective Attention. *Journal of Abnormal Psychology*, ۱۱۴, ۴۶۱-۴۷۰

Archive of SID